

آتش دل

اثر: مرتضی نی داوود

مقدمه

شعر

1 2

(A)

(B)

(A)(B)

(A)(B)

سوز غم سوزت روانم را نخوانی

با نگاهت بازبان بی زبانی

روز من شد سیه چون موی تو از پریشانی

مانده ام در نیمه راه زندگانی

عشق تو در دل من کرده غوغا

شعله زند به دلم بایک نگه مانند مینا

همچو برگی در کف باد خزان

سینه ام زعشق تو چو لاله ایی درد آشنا شد

چون دل شکسته ایی زسوز غم دل بینوا شد

آتشی در سینه دارم جاودانه

راز دل گوید نگاه آتشیست

از غم عشق تو دریای دل گشته طوفانی

داده ام از کف جان شور جوانی

همچو مجنون زده ام سر به صحرا

گر پیش چم تو فتنه بپا کند

می روم سوی دیار بی نشانی

در دلم زگردش نگاه تو طوفان بپاشد

چشم تو به یک نگه چو جام می خون در دلم کرد